

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

تیمورشاه تیموری

طلبگاری طنز

ندانم آن حلال زاده کدام است
مدیر است یا رئیس است یا سخنگوی
بود قاضی و مفتی یا محرر
بسر عمامه بر تن کیش دارد
بود ریش سفیدش زینت روی
بزی ریش نکتائی ببندد
و یا پیراهن و تنبان دارد
ندانم عینک او نمره چند است؟
دو زن دارد و یا سه شاید هم چار
بدین حال و بدین روز و بدین خوی
بگفته مادرم را دختر او
نموده آرزوی دختر تو
که با پیوند به من در فکر خام است
قوماندان جهاد است یا خداجوی
که روغن میکشد از ریگ بایر
زنج عاری بود یا ریش دارد
و یا وسمه کند بی گفت و بی گوی
که تا پیر و جوان بر وی بخندد
چین بر دوش آویزان دارد
که از دیدار نوری در گزند است
همه باشد کنیز و اوست بادار
طلبگاری نموده مرد پرروی
که بابایم بود سرو لب جو
نظر افکنده بر آن گوهر تو

دهـــــــد تُویانهُ والا و اعلیٰ کند سر تا به پایش را مطـــــــلا
 خـــــــریداری کند مأوی دیگر بسازد بهـــــــر او دنیای دیگر
 کنیزان و غـــــــلامان عدیده بود در خـــــــدمت آن نوردیده
 کند بر تارک سر جـــــــای او را ترقی میدهـــــــد بابای او را
 شنیدم این سخـــــــن را از پس در که بابا کرده است آن حرف باور
 نمیدانم که اکنون چاره ام چیست؟ انیس این دل صـــــــدپاره ام کیست؟
 ندارم کس که بـــــــا من یار باشد رفیق و مؤنس و غمخـــــــوار باشد
 همه دنیا بـــــــه چشم شام باشد کجا یک لحظه دل آرام باشد؟
 بود تاریک روزم چـــــــون شب تار شدم از زندگـــــــانی سخت بیزار
 دلم گوید فـــــــرار از این وطن کن چـــــــو بلبل پر زن و سیر چمن کن
 ولی ترسم که چـــــــون آزرده گفتی شوم در چـــــــنگ شاهینی برابر
 بود بهتر کـــــــه در دنیا نمانم نشان از خویش پابرجـــــــا نمانم

خـــــــورم یک کپه از زهر هـــــــلاهل

که تا آسان گـــــــردد جمله مشکل

(المان - ۱۶ اکتوبر ۲۰۱۱)